

دعوت رهبری از جوان غربی به مسئولیت‌پذیری

دکتر سعدالله زارعی

مقالات زیادی علیه آن منتشر گردیده و اسناد فراوان آن منتشر گردیده است البته با تأخیری چند ده ساله! در این نامه به ناموجه بودن این تأخیر و مسئولیت امروزی برای افشای این روند به اختصار اشاره گردیده است: «از روشنفکران خود بپرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود» و «چرا در موضوع مهمی همچون شیوه برخورد با فرهنگ و اندیشه اسلامی از شکل‌گیری آگاهی عمومی جلوگیری می‌شود؟»

همچنین در این نامه، فلسفه ایجاد موج تقابلی علیه اسلام مورد اشاره قرار گرفته و جوانان به کاوش در این مورد دعوت می‌شوند: «مگر چه معانی و ارزش‌هایی در اسلام، مزاحم برنامه قدرت‌های بزرگ است و چه منفعتی در سایه تصویرسازی غلط از اسلام تأمین می‌گردد؟» در واقع نامه به این نکته اشاره می‌کند که ملت‌ها نه تنها نباید با موج اسلام ستیزی همراهی کنند بلکه باید گریبان اسلام‌ستیزان را بگیرند و انگیزه‌های غیر اعلامی آنها را دریابند.

نامه در ادامه و در نیمه راه وارد «راه حل» می‌شود: «سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین بدست آورید»، «منطق سلیم اقتضا می‌کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می‌گریزند و می‌ترسانند چیست و چه ماهیتی دارد»، «اسلام را از منابع اصیل و مأخذ دست اول آن بشناسید»، «با اسلام از طریق قرآن و زندگی پیامبر بزرگ آن صلی‌الله علیه و آله و سلم آشنا شوید» و «این فرصت را برای فهم صحیح و درک بدون پیشداوری از اسلام از دست ندهید.»

این نامه در بخش راه حل بدون آنکه وارد مباحث پیچیده فلسفی و کلامی شود و در برگیرنده «پیشداوری»‌هایی در این زمینه باشد، راهی را معرفی و جوانان را به پیمودن آن دعوت کرده است. دعوت یک رهبر روحانی از جوانان برای «شناخت مستقیم» و «شناخت بی‌واسطه» و یافتن راه از متن اصلی «قرآن» به طور مستقیم و تحلیل مستقیم «زندگی پیامبر» خیلی جذاب است. رهبران ادیان در اروپا و آمریکا نه تنها به این شناخت مستقیم و مراجعه بی‌واسطه به متن مقدس و زندگی پیامبر مسیحیان دعوت نمی‌کنند بلکه اساساً چنین مراجعه‌ای را موجب انحراف از دین دانسته و با تعالیم انجیل و مسیح علیه‌السلام در تضاد معرفی می‌کنند. کاتولیک‌ها به خصوص بر مقدس و غیرقابل بحث بودن تعالیم کلیسا و کشیش‌ها تأکید می‌ورزند و تصور خلاف از آن را بر نمی‌تابند. جوانان غرب در حالی که در تبلیغات رسمی، اسلام را مظهر خشونت و تحمل‌ناپذیری و استبداد رأی یافته‌اند، از یک رهبر سرشناس اسلامی می‌شنوند که: «من اصرار نمی‌کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید». این بخش از نامه به مثابه تیر خلاص به تبلیغات ضداسلامی بوده و سعه صدر اسلام و رهبران اسلام را در معرض دید و داوری جوانان اروپا و آمریکا قرار

نامه رهبر معظم انقلاب خطاب به «عموم جوانان در اروپا و آمریکای شمالی» از نوع نامه یک شخصیت سیاسی نیست چه اینکه یک شخصیت سیاسی به جای جوانان در فراسوی مرزهای کشور خود، سیاستمداران هم‌تراز را مورد خطاب قرار داده و با استفاده از ادبیات رایج دیپلماسی، سعی می‌کند دیگران را به درستی مواضع خود متقاعد کرده و یا نادرستی مواضع طرف مقابل را گوشزد نماید. اما در نامه اخیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نشانی از واژگان دیپلماتیک نیست، اگرچه در رعایت نزاکت سیاسی در اوج خود قرار دارد. بی تردید می‌توان گفت پیام کوتاه رهبری بیش‌تر دعوت به ادراک حقیقت است؛ حقیقتی که با تبلیغات متراکم رسانه‌ای و سیاسی تا حد زیادی از دسترس مخاطب دور شده است. این حقیقت در عین حال وجود دارد و بطور جدی ارزش ادراک دارد.

پرداختن به همه زوایای این نامه، از حوصله یک یادداشت فراتر است. این قلم سعی می‌کند تا با تحلیل ساختار نامه، به شناخت درونی این رخداد مهم فرهنگی و بین‌المللی بپردازد.

نامه رهبر معظم انقلاب با توضیح درباره چرایی صدور آن، مخاطب اصلی آن و ظرف زمانی خاصی که نامه در آن منتشر گردیده است، شروع می‌شود و در واقع در همان آغاز کار، تکلیف مخاطب را با متنی که پیش رو دارد مشخص می‌کند و مانع از سوء تعبیر و سوء تفاهم مخاطب می‌گردد. از نظر نوشتاری، این شیوه، پیشرفته‌ترین سبک به حساب می‌آید چرا که در متون پیشرفته امروزی باید مستقیم سراغ اصل مطلب رفت.

نامه در همان ابتدا موضوع بحث را مشخص می‌گرداند: «سخن من با شما درباره اسلام است و به طور خاص درباره تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد.» پس از این، نامه به یک شگرد کهنه و در عین حال مکرر که امروز علیه اسلام به کار گرفته می‌شود، اشاره می‌نماید: «تحریک احساس رعب و نفرت و بهره‌گیری از آن، متأسفانه سابقه‌ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد.» نامه سپس بدون آنکه به تطویل بگراید و یا درصدد بیان فهرست‌ها و جزئیات باشد به موضوعاتی اشاره می‌کند که در خود غرب به طور مکرر و البته با تأخیر به آن اعتراف شده است: «تاریخ اروپا و آمریکا از برده‌داری شرمسار است، از دوره استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین‌پوستان و غیر مسیحیان خجل است، محققین و مورخین شما از خونریزی‌هایی که بنام مذهب بین کاتولیک و پروتستان یا به اسم ملیت و قومیت در جنگ‌های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می‌کنند.» در واقع در این بخش از نامه از یک طرف به سیستماتیک بودن جریان «اسلام هراسی» اشاره شده و تضادفی تلقی کردن آن مردود شمرده شده است و از طرف دیگر با ظرافت زیاد این جریان را افشا کرده و به جوانان یادآور می‌شود که این شگرد و روند، همان روندی است که امروز در خود غرب

این نامه از جهت ساختار بندی،
ادبیاتی بسیار ساده و دلنشین دارد
و با دعوت و توضیحی عزت‌مندانه آغاز می‌شود
و با دعوتی عزت‌مدارانه به پایان می‌رسد.
در این نامه از یک سو روند اسلام‌ستیزی
دستگاه‌های تبلیغاتی غرب
محکوم شده است
و از سویی دیگر، یک دعوت ساده ولی جذاب
 مطرح گردیده است.

داده است. رهبر معظم انقلاب در این نامه می‌کنند که: «چرا پیشداوری؟ به متن اصلی بدون تفسیرها و تاویل‌های جانبدارانه یا مردودانگاره مراجعه کنید.» این روش در عین حال حساب گروهک‌هایی که به نام دین و با ظاهر دینی تصویر خاصی از اسلام را فراروی جهانیان قرار می‌دهند، مشخص می‌گرداند. البته پر واضح است که مراد رهبری هرگز این نیست که قرآن به مفسر نیاز ندارد و در نهایت هر کس با مراجعه به متن قرآن و زندگی پیامبر می‌تواند به همه حقایق باریک‌تر از موی آن پی ببرد و به یک اسلام‌شناس تبدیل شود. اینجا صحبت بر سر تصور اولیه و جمع بندی است که اگر این تصویر اولیه توأم با «تصدیق» باشد و اجمالا پذیرفته شود که اسلام آن چیزی که از رسانه‌های غرب معرفی می‌شود، نیست، راه برای ورود محققانه به آن که در اینجا نیاز جدی به علما و اندیشمندان رخ می‌نماید، هموار می‌گردد.

در بخش دیگری از نامه از جوانان خواسته شده است که مراقب دام‌های پیش رو باشند: «جازه ندهید با چهره‌پردازی‌های موهن و سخیف، بین شما و واقعیت سد عاطفی و احساسی ایجاد کنند و امکان داوری بی‌طرفانه را از شما سلب کنند.» هر یک از شما می‌تواند به قصد روشنگری خود و محیط پیرامونش پلی از اندیشه و انصاف بر روی آن شکاف‌ها بسازد» و «تلاش در جهت یافتن پاسخ این پرسش‌ها، فرصت مغتنمی را برای کشف حقیقت‌های نوپیش‌روی شما قرار می‌دهد.»

این بخش از نامه یک جنبه مهم روانشناسی هم دارد و بر بستر روانشناسی جوان استوار می‌باشد. در عین حال بن‌مایه‌های اصلی این روانشناسی شخصیتی، در تعالیم اسلامی قرار دارد. گروه سنی مورد خطاب نامه، همان جوانانی هستند که در لسان روایی ما از آنان به «وزیر» یاد شده است، دوره‌ای که باید آنان را در مباحث مهم اجتماعی به حساب آورد، از آنان مدد گرفت و به آنان به گونه‌ای که مناسب یک «انسان توانا» است، کمک کرد. در واقع از بعد روانشناسی اجتماعی، نامه به آنان می‌گوید که «شما می‌توانید» و «چنین مسئولیتی دارید.» این در حالی است که روانشناسی اجتماعی غرب برای این قشر و این دوره سنی روی عنصر «خوش‌باش» و «مطالبه‌گری مادی» تأکید دارد. در واقع رهبری با استخدام روشی اسلامی در مواجهه با یک پدیده مهم در غرب، روشی نو که حتماً برای آنان از جذابیت زیادی برخوردار است، معرفی کرده است.

در یک جمع بندی کوتاه می‌توان گفت این نامه از جهت ساختار بندی، ادبیاتی بسیار ساده و دلنشین دارد و با دعوت و توضیحی عزت‌مندانه آغاز می‌شود و با دعوتی عزت‌مدارانه به پایان می‌رسد. در این نامه از یک سو روند اسلام‌ستیزی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب محکوم شده است و از سویی دیگر، یک دعوت ساده ولی جذاب مطرح گردیده است: «بپایید خود به آنچه علیه آن در غرب تاخت و تاز می‌شود، قضاوت و داوری کنید.» نامه از حیث روانشناسی فردی و اجتماعی در اوج خود قرار دارد و به جای بهره‌گیری از ادبیاتی گزنده، تحکم‌آمیز و توأم با پیشداوری، به نرمی دعوت به «پرسشگری» شده است: «از غرب بپرسید که چرا به یک دین حمله می‌کند بدون آنکه درباره متن واقعی آن سخنی به میان آورد و از خود اسلام بپرسید چه می‌گوید و چرا این همه جنجال سیستماتیک را علیه خود به وجود آورده است.» نامه پر است از ادبیات سلب و ایجاب، سوال و جواب، اشکال و راه‌حل و منطق و استدلال و در عین حال پرهیز از سوالات چند لایه فلسفی و کلامی. این روش نامه‌نگاری، متن را بسیار جذاب کرده و پذیرش دعوتی که در متن آن نهفته است را آسان گردانیده است.

منبع: کیهان

